



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission

کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان الاسلامیه فی ایران



انتقادات حقوقی بین المللی بر مواضع سفیر و نماینده آمریکا در سازمان ملل در مورد تجاوز به ایران
(از مجموعه آثار حقوقی بین المللی مربوط به تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران)

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش‌های گسترده‌ای نزد ملت‌های مختلف شکل گرفت. این واکنش‌ها در مواردی مشابه بازتاب‌های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی، نمودهای برجسته‌تر داشت به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی‌ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه‌های مردم در لامرد با بمب‌های خاص دارای آثار ضد انسانی گسترده، هدف قراردادن ده‌ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیرساخت‌های مردمی ایران و هم‌چنین شهادت بیش از سه هزار شهروند بیگناه ایرانی توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. لفاظی‌های وحشیانه و غیر انسانی خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته‌های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می‌سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت‌ها موضع‌گیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته‌اند، به طور طبیعی از حقوق‌دانان بین‌المللی و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا انتظار بیشتری می‌رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را درک می‌کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش تلقی می‌شود.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی یا اساتید و کارشناسان فعال حقوقی در سطح جهانی واکنش‌های مناسبی داشتند و محتواهای قابل قبولی را منتشر کردند. اما بعضی افراد متأسفانه به هر علت و انگیزه‌ای سکوت پیشه کرده و مطلبی مفید را بازتاب ندادند. گروه سوم به بیان مطالب دو پهلوی و مبهم و بی‌خاصیت رو آوردند و نهایتاً گروهی نیز در خدمت متجاوزان قرار گرفته و تلاش کردند تا با آسمان و زمین به هم بافتن جنایات آشکار متجاوزان را توجیه کرده یا کمرنگ جلوه دهند. در بسیاری از متون منتشره فعالان حقوقی در مغرب زمین این پدیده نیز مشهود بود که اگر چند مطلب مثبت علیه تجاوز به ایران گفته‌اند از بیان برخی مطالب منفی علیه ایران نیز با عبارت‌های متنوع دریغ نورزیده‌اند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام حقوق‌دانان و با چه کیفیت فنی و حقوقی و در چه منابع تخصصی موضع‌گیری شفاف‌تری در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به ایران داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب

دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص متون منتشره ذریبط داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد. گزارش حاضر یکی از سلسله گزارشاتی است که به معرفی آثار مورد اشاره اختصاص یافته است. مقاله حاضر را سه حقوقدان آمریکایی که سوابق علمی و کاربردی متعدد دارند و هر یک در حوزه خود جزو شناخته شده های جهانی محسوب میشوند ، به رشته تحریر درآورده اند. آنها سعی کرده اند ضمن ابراز وفاداری خود به نظام حقوقی آمریکا و نیروهای مسلح آن، این رویکرد را در پیش بگیرند که رعایت موازین حقوق بین الملل مخاصمات امری الزامی است و اتفاقاً رعایت آنها در موازین حقوقی داخلی کشورشان نیز تصریح شده است فلذا اینکه سفير آمریکا در سازمان ملل در صدد توجیه ارتکاب جنایات جنگی علیه ایران برآمده نشان از بیسوادی وی در حوزه حقوق بین الملل و مصالح جامعه آمریکا و جامعه جهانی است. نویسندگان بارها اظهارات تهدید آمیز عجیب و غریب ترامپ علیه ایران را مطرح و از منظر موازین حقوق بین الملل مورد انتقاد قرار داده و فروض احتمالی توجیه این مواضع را نیز مورد بحث فنی قرار داده و رد کرده اند. نویسندگان در بخش هایی از مقاله خود به نوشتاری در ۲۷ مارس ۲۰۲۶ / هفتم فروردین ۱۴۰۵ شمسی که در قالب پرسش و پاسخ در مورد مقوله هدف گیری در جنگ علیه ایران از منظر موازین حقوقی بین المللی منتشر شده، ارجاع داده اند. شایان ذکر است نوشته مزبور نیز در امور پژوهشی کمیسیون ترجمه شده و پس از این گزارش در دسترس مخاطبان محترم قرار خواهد گرفت.

امور پژوهشی کمیسیون لازم می داند پیشاپیش این مهم را مورد تاکید قرار دهد که نظرات تخصصی ارائه شده از سوی هر نویسنده یا نویسندگان، دیدگاههای شخصی خود آنهاست و ترجمه و انتشار دیدگاهها به معنای تأیید همه مطالب آنها نیست بلکه فرصتی فراهم می آورد که جامعه علمی یا مسئولان و سیاستگذاران کشور با اشراف به نظرات مطرح شده در سطح جهانی تحریک عالمانه تری از خود نشان دهند. با وجود نکته یاد شده، در متن پیش رو، حسب ضرورت ، امور پژوهشی کمیسیون توضیحاتی در زیر نویس درج یا کلماتی را داخل براکت [] در متن افزود یا معادل انگلیسی برخی کلمات را در زیر نویس قید کرد تا بهره برداری از متن دقیق تر انجام پذیرد. ضمناً ارجاعات نویسندگان نیز عیناً در زیرنویس حفظ گردید. نقد و ارزیابی فنی و مستقل دیدگاههای حقوقی مطرح شده در خصوص تجاوز به ایران مجال موسعی می طلبد که جداگانه باید انجام شود.

با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، در درجه اول خودباوری و حقانیت جامعه ایران در مقام قربانی تجاوز را تقویت کند و از یاد ببریم که جنایتکاران فاقد شرف و وجدان انسانی به حریم کشور ما تعرض کرده و خانه و کاشانه ما را مورد صدمات زیادی قرار داده و عزیزان متعددی را از ما گرفته اند یا دچار مصدومیت ساخته اند ، ثانیاً موجبات گسترش حساسیت ها برای پیشبرد حقوق انسانی و ملی را فراهم

سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده به شرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

خرداد ۱۴۰۵

♦ نویسندگان: مایکل اشمیت استاد حقوق بین الملل در دانشگاه ریدینگ / خانم تس بریجمن سردبیر مشترک مجله دیجیتالی امنیت عادلانه در آمریکا و دارای سوابق فعالیت در مراکز حاکمیتی آمریکا / رایان گودمن از جمله بنیانگذاران و سردبیران مجله دیجیتالی امنیت عادلانه و استاد حقوق و مدیر مشترک مرکز حقوق و امنیت ریس در دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک

♦ ترجمه انگلیسی به فارسی و توضیحات اضافی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، خرداد ۱۴۰۵

♦ مآخذ: مجله دیجیتالی حقوقی امنیت عادلانه/ جاست سکیوریتی (justsecurity.org)، ۲۲ آوریل ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۲۰

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المفعنه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

عکس روی جلد گزارش: نمایی از یک مورد جنایت بمباران مجتمع مسکونی مردم عادی در ایران و امدادرسانی به قربانیان همراه با عکس کوچک سفیر و نماینده آمریکا در سازمان ملل که در حال مزخرف گویی در شورای امنیت ملل متحد است.

[نوشتار انتقادی] در باب دفاع سفیر والتز[سفیر و نماینده آمریکا در سازمان ملل] از اقدامات احتمالی ناقض حقوق جنگ در مخاصمه با ایران

نوشته‌ی مایکل اشمیت استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه ریدینگ، محقق برجسته در مرکز حقوق و امنیت ریس دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک، وابسته به برنامه حقوق بین‌الملل و درگیری‌های مسلحانه دانشکده حقوق هاروارد، و استاد مهمان در موسسه بین‌المللی حقوق بشردوستانه و سردبیر کل مجموعه مطالعات لیبر/

خانم تس بریجمن^۲ سردبیر مشترک مجله امنیت عادلانه، دارای سوابقی چون دستیار ویژه رئیس جمهور، مشاور وابسته رئیس جمهور و معاون مشاور حقوقی شورای امنیت ملی در دوران دولت اوباما و فعالیت در وزارت امور خارجه آمریکا /

رایان گودمن^۳ از جمله بنیانگذاران و سردبیران مجله امنیت عادلانه، استاد حقوق و مدیر مشترک مرکز حقوق و امنیت ریس در دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک، دارای سوابقی چون مشاوره در وزارت دفاع آمریکا (۲۰۱۶-۲۰۱۵) تدریس علوم سیاسی و جامعه شناسی در دانشگاه نیویورک، تدریس حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در دانشکده حقوق هاروارد

(منتشر شده در بیست و دوم آوریل ۲۰۲۶ برابر با چهارم اردیبهشت ۱۴۰۵ شمسی)

روز یکشنبه، دونالد ترامپ، رئیس جمهور، تهدید خود مبنی بر انجام حملات گسترده علیه ایران را تکرار کرد.^۴ او با بیان این ادعا که «ما پیشنهادی بسیار منصفانه و معقول برای یک توافق ارائه می‌دهیم»، هشدار داد که اگر طرف مقابل آن را نپذیرد، «ایالات متحده تک‌تک نیروگاه‌ها و پل‌های ایران را نابود خواهد کرد. دیگر خبری از آن رفتار ملایم و دوستانه نیست! آن‌ها به سرعت و به آسانی فرو خواهند ریخت...» او با این کار، بر تهدیدهای پیشین خود مبنی بر هدف قرار دادن زیرساخت‌های ایران (که احتمالاً شامل تأسیسات آب‌شیرین‌کن^۵ نیز می‌شود) و در نتیجه بمباران ایران^۶ تا حد بازگرداندن آن به «عصر حجر»، و همچنین هشدارش^۷ درباره اینکه «امشب یک تمدن کامل نابود خواهد شد و هرگز احیا نخواهد گشت»، تأکید مضاعف ورزید. مایکل والتز، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، در برنامه‌های گفتگوی سیاسی صبح یکشنبه حاضر شد تا از اقدامات دولت ترامپ و تهدیدهای رئیس جمهور

^۱. Michael Schmitt

^۲. Tess Bridgeman

^۳. Ryan Goodman

^۴. <https://truthsocial.com/@realDonaldTrump/posts/116431297579272777>

^۵. <https://truthsocial.com/@realDonaldTrump/posts/116317880658472708>

^۶. <https://www.pbs.org/newshour/world/trump-claims-irans-president-wants-a-ceasefire>

^۷. <https://www.wsj.com/livecoverage/iran-war-2026-trump-deadline-latest-news/card/trump-warns-iran-whole-civilization-will-die--WmKHwp44HkYuRBPKUC4y>

دفاع کند (متن برنامه «میت د پرس» شبکه ان بی سی،^۸ «دیس ویک» شبکه ای بی سی^۹ و «فیس د نیشن» شبکه سی بی اس)^{۱۰} او در این برنامه‌ها، مفصل‌ترین توجیهات حقوقی ادعایی را تا به امروز برای آن تهدیدها ارائه کرد. در واقع، او تأکید داشت^{۱۱} که می‌خواهد «پیش‌دستی کند و به آن روایت مضحک و -صادقانه بگویم- غیرمسئولانه پاسخ دهد که می‌گوید این اقدام به نوعی مصداق "جنایت جنگی" خواهد بود؛ روایتی که از سوی سیاستمداران دموکرات، رسانه‌ها و دیگران در جامعه بین‌المللی شنیده‌ایم». او در هر سه برنامه، پیش از آنکه مجری موضوع را مطرح کند، خود داوطلبانه به این مسئله پرداخت؛ اقدامی که نشانه‌ای نگران‌کننده است و شاید حاکی از آن باشد که او در حال زمینه‌سازی برای اقدام عملی ارتش ایالات متحده بر اساس اظهارات رئیس‌جمهور [آمریکا] است. والتز، با وجود سابقه خدمت به عنوان افسر نیروهای ویژه ارتش و مشاور سابق امنیت ملی، نه حقوقدان است و نه در زنجیره فرماندهی نظامی قرار دارد.

استدلال او در خصوص حقوق مربوط به جنایات جنگی نادرست است؛ هم به این دلیل که او اهمیت و معنای دقیق آن قاعده حقوق بین‌الملل را که سعی در تبیین آن دارد درک نکرده است، و هم به این خاطر که قاعده‌ی مورد بحث او تنها یکی از قواعد متعدد محدودکننده حملات به زیرساخت‌های مورد استفاده غیرنظامیان است. دیدگاه والتز به دلیلی بنیادین‌تر نیز نادرست است: تردیدی نیست که تهدید^{۱۲} به نابودی یک تمدن کامل، یا زیرساخت‌هایی که بقای آن تمدن به آن‌ها وابسته است، هم عملی مجرمانه و هم عمیقاً غیراخلاقی محسوب می‌شود. تلاش برای توجیه حقوقی چنین اقداماتی، رویکردی زیان‌بار و مغایر با اصول حاکمیت قانون است و به اعتبار ارتش ایالات متحده – آن هم در شرایطی که خود درگیر همان مخاصمه مسلحانه‌ای است که بستر طرح این تهدیدها را فراهم آورده – لطمه‌ای جدی وارد می‌کند.

در این نوشتار، ما ادعاهای والتز را با معیارهای «حقوق مخاصمات مسلحانه» که بر مخاصمه مسلحانه بین‌المللی^{۱۳} از جمله مناقشه کنونی میان ایالات متحده و ایران (و سایر کشورهای درگیر در جنگ) – حاکم است، می‌سنجیم. ایالات متحده در قبال نقض این قواعد توسط نیروهای مسلح خود مسئولیت دارد (نقض حقوق مخاصمات مسلحانه، طبق [موازین مربوط به] حقوق مسئولیت دولت‌ها،^{۱۴} مصداق «عمل متخلفانه بین‌المللی»^{۱۵} محسوب می‌شود). در

^۸ <https://www.nbcnews.com/meet-the-press/transcripts/meet-press-april-19-2026-rcna340866>

^۹ <https://abcnews.com/Politics/week-transcript-4-19-26-amb-mike-waltz/story?id=132174957>

^{۱۰} <https://www.cbsnews.com/news/mike-waltz-un-ambassador-face-the-nation-transcript-04-19-2026/>

^{۱۱} <https://www.nbcnews.com/meet-the-press/transcripts/meet-press-april-19-2026-rcna340866>

^{۱۲} <https://www.justsecurity.org/135797/war-crimes-rhetoric-power-plants-iran/>

^{۱۳} https://casebook.icrc.org/a_to_z/glossary/international-armed-conflict

^{۱۴} The law of State responsibility

برخی موارد، عملیات‌های مذکور ممکن است از سوی عاملان آن‌ها به عنوان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت نیز تلقی شوند؛ به‌ویژه زمانی که حمله متوجه اهداف غیرنظامی باشد،^{۱۵} ماهیتی کورکورانه^{۱۶} (بدون تمایز) داشته باشد و یا آشکارا نامتناسب^{۱۷} باشد.

نتیجه می‌گیریم که اگرچه برخی از ادعاهای والتز مبنای قانونی دارند، اما این ادعاها نه تنها اغراق‌آمیز هستند، بلکه تصویر کاملی نیز ارائه نمی‌دهند. تحلیل ما محدود به مسائل مربوط به تعیین اهداف است؛ هرچند جنبه‌هایی از این مصاحبه‌ها پرسش‌های حقوقی دیگری را نیز پیش می‌کشد، از جمله اظهارات^{۱۸} او مبنی بر اینکه «این نیروی دریایی ایالات متحده و رئیس‌جمهور ترامپ هستند که درباره ورود و خروج [شناورها] به تنگه هرمز تصمیم می‌گیرند»؛ ادعایی که حاکی از اعمال اختیاراتی فراتر از حدود مجاز در [موازنین مربوط به] حقوق جنگ دریایی هنگام اجرای محاصره است (در این باره، تحلیل مارک نویت^{۱۹} در خصوص حقوق محاصره دریایی قابل مطالعه است). با توجه به جایگاه والتز به عنوان سفیر ایالات متحده [در سازمان ملل]، ارزیابی ما تا حد زیادی بر مبنای اصول حقوقی مندرج در «دستورالعمل حقوق جنگ»^{۲۰} وزارت دفاع ایالات متحده استوار است.

واکاوی مفهوم «کاربرد دوگانه» زیرساخت‌های غیرنظامی

والتز در جریان مصاحبه با برنامه^{۲۱} «این هفته» شبکه ای‌بی‌سی اظهار داشت که «حمله به زیرساخت‌هایی که به‌طور آشکار و تاریخی برای مقاصد دوگانه نظامی استفاده شده‌اند و تخریب آن‌ها، جنایت جنگی محسوب نمی‌شود» و هدف قرار دادن چنین اهدافی – به دلیل اقدام دشمن در «به هم آمیختن» زیرساخت‌های نظامی با اماکن غیرنظامی – «در چارچوب قواعد [ناظر به] جنگ زمینی کاملاً پذیرفته شده است». او در اظهارنظری مشابه در برنامه «رودر رو با ملت»^{۲۲} شبکه سی‌بی‌اس (CBS)^{۲۳} تأکید کرد که «بر اساس موازن جنگ زمینی و قواعد درگیری، هر نوع زیرساختی که درهم آمیخته شده و برای جابه‌جایی تجهیزات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد، قطعاً هدفی مشروع

^{۱۵} Internationally wrongful act

^{۱۶} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule7>

^{۱۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule11>

^{۱۸} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule14>

^{۱۹} <https://www.nbcnews.com/meet-the-press/transcripts/meet-press-april-19-2026-rcna340866>

^{۲۰} <https://www.justsecurity.org/136186/iran-mining-us-blockade/>

^{۲۱} Mark Nevitt

^{۲۲} [https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY 2023.PDF](https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%2023.PDF)

^{۲۳} <https://abcnews.com/Politics/week-transcript-4-19-26-amb-mike-waltz/story?id=132174957>

^{۲۴} <https://www.cbsnews.com/news/mike-waltz-un-ambassador-face-the-nation-transcript-04-19-2026/>

محسوب می‌شود». این اظهار نظر به تنهایی فقط تا حدی صحیح است و از آن مهم‌تر، تنها یکی از متغیرهای تعیین‌کننده مشروعیت حمله به یک هدف خاص به شمار می‌رود. در واقع، هر کارشناس حقوق مخاصمات مسلحانه می‌تواند تشخیص دهد که فقدان آشکار سایر اجزای این معادله – که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود – نادرستی ادعای والتز را اثبات می‌کند.

نخست اینکه برای آنکه یک شیء^{۲۵} [اعم از منقول یا غیرمنقول] در زمره «هدف نظامی»^{۲۶} قرار گیرد – اصطلاحی که به شیئی اشاره دارد که حمله به آن از نظر قانونی مجاز است (مشروط بر رعایت سایر قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه نظیر اصل تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله) – آن شیء باید «به واسطه ماهیت، موقعیت، هدف یا کارکرد خود، سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته باشد»؛ و دوم اینکه «تخریب کامل یا جزئی، تصرف یا خنثی‌سازی آن شیء، در شرایط حاکم در آن مقطع زمانی»، باید «مزیت نظامی قطعی» ایجاد کند (بند ۳، ۵، ۶). این تعریف که در «راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع» آمده،^{۲۷} بازتاب‌دهنده تعریفی است که در ماده ۵۲ (۲) «پروتکل الحاقی اول»^{۲۸} برای طرف‌های درگیر ذکر شده است (همچنین نک: پروتکل اصلاح‌شده مین‌ها ذیل کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص [CCW]، ماده ۲ (۶)؛^{۲۹} و پروتکل سوم کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص درباره سلاح‌های آتش‌زا، ماده ۱ (۳)؛^{۳۰} و اظهارات مشاور حقوقی وزارت امور خارجه^{۳۱} در سال ۲۰۱۶) و به عنوان بازتابی از حقوق بین‌الملل عرفی که برای تمامی دولت‌ها الزام‌آور است، تلقی می‌شود.

بنابراین، قانون [داخلی آمریکا برابر راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع] معیاری دوجنسی را مقرر می‌دارد (بخش ۵، ۶، ۵). معیارهای «استفاده» (کاربرد فعلی یک شیء) و «هدف» (کاربرد آتی مورد نظر برای آن شیء) بیشترین ارتباط را با زیرساخت مورد بحث در اینجا دارند. حق با «التز» است که استفاده فعلی یا آتی ارتش از زیرساخت‌های غیرنظامی می‌تواند شرط نخست این معیار را برآورده سازد، مشروط بر آنکه آن مشارکت «مؤثر» باشد. این معیار، آستانه‌ای نسبتاً پایین محسوب می‌شود؛ چرا که برای مؤثر بودن، کافی است آن شیء برای «نیروهای

^{۲۵} Object

^{۲۶} Military objective

^{۲۷} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۲۸} <https://ihl-databases.icrc.org/en%2Fihl-treaties%2Fapi-1977/article-52>

^{۲۹} Convention on Certain Conventional Weapons

^{۳۰} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/ccw-amended-protocol-ii-1996/article-2?activeTab=>

^{۳۱} Incendiary Weapons

^{۳۲} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/ccw-protocol-iii-1980/article-1?activeTab=>

^{۳۳} <https://www.justsecurity.org/wp-content/uploads/2016/04/Egan-ASIL-speech.pdf>

مسلح ... مفید» باشد (تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، بند ۲۰۲۲).^{۳۴} شرط دوم مستلزم آن است که حمله به آن شیء، «مزیت نظامی قطعی» به همراه داشته باشد. در تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ذیل این ماده توضیح داده شده است که «انجام حمله‌ای که تنها مزایایی احتمالی یا نامشخص در پی دارد، مشروع نیست.»

در بیشتر موارد، شیئی که شرط نخست معیار «هدف نظامی» را برآورده می‌کند – مانند پلی که در حال حاضر توسط نیروهای مسلح استفاده می‌شود یا نیروگاهی که برق مورد نیاز ارتش را تأمین می‌کند – شرط دوم را نیز محقق خواهد ساخت. این امر حتی در صورتی صادق است که آن شیء برای مقاصد غیرنظامی نیز مورد استفاده قرار گیرد، و در واقع حتی اگر استفاده غیرنظامی بر آن غالب باشد. چنان‌که در «دفترچه راهنمای برنامه‌ی سیاست‌های بشردوستانه و تحقیقات منازعات در دانشگاه هاروارد (HPCR)» در خصوص حقوق بین‌الملل حاکم بر نبردهای هوایی و موشکی^{۳۵} آمده است: «هرگونه استفاده نظامی از یک شیء غیرنظامی، آن را به یک هدف نظامی تبدیل می‌کند. با این حال، این واقعیت که شیء مذکور به واسطه نوع استفاده به یک هدف نظامی بدل شده است، مانع از امکان استفاده همزمان غیرنظامی از آن نمی‌شود» (ص. ۱۱۹).

تا اینجای کار، حق با والتز است: اقلام موسوم به «کاربرد دوگانه (dual-use)» «علی‌الاصول در زمره اهداف نظامی محسوب می‌شوند. اما محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. همان‌طور که در ادامه توضیح خواهیم داد، مجموعه کامل قواعد حاکم بر تعیین افراد و اشیایی که ممکن است در مخاصمات مسلحانه هدف قرار گیرند، حاوی چندین تضمین کلیدی برای جمعیت غیرنظامی است؛ تضمین‌هایی که عملاً باعث می‌شوند برخی از این اقلام – با وجود داشتن ویژگی‌های هدف نظامی – از حیث قانونی قابل هدف‌گیری نباشند.

موارد متعدد غیرقانونی بودن انهدام دسته‌هایی از اهداف

محدودیت کلیدی مقرر در «حقوق مخاصمات مسلحانه (LOAC)» در خصوص اجرای تهدیدهای ترامپ این است که هر هدف باید به‌طور مستقل واجد شرایط «هدف نظامی» باشد. والتز دقیقاً در همین جا دچار اشتباه شد. در جریان مصاحبه با شبکه ای‌بی‌سی^{۳۶}، جاناتان کارل پرسید که آیا رئیس‌جمهور «آماده است کاری را که تهدید به انجامش

^{۳۴} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-52/commentary/1987?activeTab=>

^{۳۵} <https://www.cambridge.org/core/books/hpcr-manual-on-international-law-applicable-to-air-and-missile-warfare/EB28F7A1701637CA2390B25FB4840629>

این اصول راهنما در سال ۲۰۰۳ توسط برنامه‌ی سیاست‌های بشردوستانه و تحقیقات منازعات در دانشگاه هاروارد پس از مشورت با کارشناسان مختلف و دولت‌های گوناگون تدوین است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۳۶} <https://abcnews.com/Politics/week-transcript-4-19-26-amb-mike-waltz/story?id=132174957>

کرده بود، عملی کند؟ او گفت که تمام نیروگاه‌ها و تمام پل‌های کشور را نابود خواهد کرد؟» والتز پاسخ داد: «خوب، قطعاً تمام گزینه‌ها روی میز است.»

انجام چنین کاری آشکارا غیرقانونی خواهد بود. فراتر از تجهیزات نظامی، هیچ «دسته» یا گروهی از اهداف وجود ندارد که به‌طور کلی و مطلق واجد شرایط هدف نظامی محسوب شود. بر این اساس، حمله به کل یک دسته از زیرساخت‌ها، نقض حقوق درگیری‌های مسلحانه محسوب می‌شود و به احتمال زیاد، برای برخی از عوامل دخیل - از جمله کسانی که دستور حملات را صادر کرده‌اند - مصداق جنایت جنگی است. چنین حمله‌ای به دلایل متعددی غیرقانونی خواهد بود.

نخست آنکه، حمله به کل یک دسته از زیرساخت‌ها - با علم به اینکه (یا در شرایطی که یک مهاجم متعارف/معقول در همان شرایط یا موقعیت مشابه می‌داند) اهداف خاصی در آن مجموعه فاقد شرایط هدف نظامی هستند - نقض ممنوعیت حمله مستقیم به اهداف غیرنظامی (اموال غیرنظامی) تلقی می‌شود. قانون در این باره صراحت دارد: «اشخاص، اشیاء و مکان‌هایی که هدف نظامی محسوب نمی‌شوند، نباید مورد حمله قرار گیرند» (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع ایالات متحده، بخش ۵،۵،۲).^{۳۷}

دوم، اگر ایالات متحده بدون تلاش برای تفکیک میان اهداف، شروع به انهدام تمامی اهداف آن دسته خاص می‌کرد، این حملات در زمره «حملات کورکورانه» (یا بی‌تمایز) قرار می‌گرفتند. همان‌طور که در «دستورالعمل فرماندهان نیروی دریایی/سپاه تفنگداران دریایی/گارد ساحلی ایالات متحده در خصوص حقوق عملیات دریایی»^{۳۸} تصریح شده است، حملات کورکورانه - که به صورت «حملاتی که متوجه یک هدف نظامی مشخص نیستند» تعریف می‌شوند - ممنوع هستند (بخش ۵،۳،۴؛ همچنین نک: رویه‌های^{۳۹} مرتبط با مطالعه حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی، قاعده ۱۱).

سوم، از آنجا که هدف چنین عملیات گسترده‌ای، نابودی تمامی اجزای یک دسته از زیرساخت‌های غیرنظامی است، ممکن است حتی آن معیار نسبتاً سهل‌گیرانه برای در نظر گرفتن یک هدف با «کاربرد دوگانه» نیز محقق نشده باشد. به هر حال، اگر هدف اصلی نابودی زیرساخت‌ها برای تحمیل امتیازگیری در مذاکرات باشد - و نه دستیابی به

^{۳۷} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۳۸} https://stjecmcsdusgva001.blob.core.usgovcloudapi.net/public/documents/NWP_1-14M.pdf

^{۳۹} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v2/rule11>

یک هدف عملیاتی نظامی - آن گاه دست کم جای تردید است که آیا چنین حمله‌ای سهم مؤثری در اقدام نظامی ایفا می‌کند و مزیت نظامی قطعی به همراه دارد یا خیر.

چهارم، انهدام تمامی اهداف موجود در هر دسته از زیرساخت‌های مورد استفاده غیرنظامیان، تقریباً به طور قطع ناقض قواعد مربوط به «تناسب» و «اقدامات احتیاطی در حمله» خواهد بود؛ موضوعی که در ادامه توضیح خواهیم داد.

پنجم اینکه، چنین حمله‌ای تقریباً به طور قطع ناقض قواعد مربوط به محروم کردن غیرنظامیان از اقلام حیاتی برای بقایشان خواهد بود. حمله به هر نیروگاه، پل، تأسیسات آب‌شیرین‌کن یا سایر زیرساخت‌های حیاتی، به طور قابل پیش‌بینی موجب محرومیت غیرنظامیان از آب، غذا، برق مورد نیاز برای مراقبت‌های پزشکی یا سایر ملزومات اساسی می‌شود. این قاعده که در ماده ۵۴ (بند ۲) «پروتکل الحاقی اول» [کنوانسیون‌های ژنو] آمده است، از نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود، هر چند ایالات متحده چنین نظری ندارد. با این حال، «دستورالعمل حقوق جنگ وزارت دفاع» خاطرنشان می‌کند که «ایالات متحده از این اصل بنیادین حمایت کرده است که گرسنگی دادن به غیرنظامیان نباید به عنوان روشی در جنگ مورد استفاده قرار گیرد» (بخش ۴، ۲۰، ۵).

و ششم اینکه، هر گونه تهدید به نابودی یک دسته کامل از زیرساخت‌های مورد استفاده غیرنظامیان، احتمالاً مصداق نقض حقوق مخاصمات مسلحانه و ارتکاب جنایت جنگی «تهدید به خشونت با هدف ایجاد هراس در میان جمعیت غیرنظامی» است. این قاعده ساده است و به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی الزام‌آور و قابل اجرا در تمامی مخاصمات مسلحانه به رسمیت شناخته شده است: «اقدامات ارعاب‌آمیز یا تروریستی علیه جمعیت غیرنظامی ممنوع است؛ از جمله اعمال یا تهدید به خشونت که هدف اصلی آن‌ها گسترش وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد» (دستورالعمل حقوق جنگ وزارت دفاع، بخش ۲، ۵).^{۴۲} بنابراین، تهدیدهای ترامپ به اعمال خشونت (که مورد حمایت والتز قرار گرفت و توسط وزیر هگست تکرار شد)، چنانچه هدف اصلی‌شان ایجاد وحشت در میان غیرنظامیان ایران باشد، خود مصداق نقض حقوق مخاصمات مسلحانه و جنایت جنگی محسوب می‌شوند، حتی اگر هرگز عملی نشوند.

^{۴۰} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule54>

^{۴۱} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule2>

^{۴۲} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

در این خصوص، مشخص نیست منظور والتز چه بوده است آنگاه که در پاسخ^{۴۳} به پرسشی مبنی بر اینکه آیا حمله به تمام آن اهداف جنایت جنگی محسوب می‌شود یا خیر، گفت: «اگر به تاریخ جنگ‌ها نگاه کنید، و تا زمان جنگ جهانی دوم به عقب برگردید، می‌بینید که ما قطعاً پل‌ها، سایر زیرساخت‌ها و نیروگاه‌ها را بمباران و منهدم می‌کردیم.» این استدلال، توجیه حقوقی نیست؛ بلکه در بهترین حالت، نوعی قیاس نامربوط به زمان^{۴۴} حال^{۴۵} است. ویرانی درسدن و بمباران آتش‌زای توکیو با هدف ایجاد وحشت در میان جمعیت غیرنظامی، دقیقاً همان اقداماتی بود که منجر به ممنوعیت چنین روش‌های جنگی در «پروتکل الحاقی اول» کنوانسیون‌های ژنو (ماده ۵۱، بند ۲)^{۴۵} و حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی گردید.

اهداف پشتیبان جنگ؟

والتز در برنامه «میت د پرس»^{۴۶} تلاش کرد تا هدف قرار دادن این تأسیسات را با این استدلال توجیه کند که «نیروگاه‌ها، شبکه برق و سایر مواردی که برای تأمین انرژی اقتصاد جنگی ایران استفاده می‌شوند... که اتفاقاً سپاه پاسداران کنترل حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد آن‌ها را در دست دارد.» از یک منظر، این اظهارنظر والتز اعترافی قابل توجه است. تکلیف آن ۵۰ تا ۶۰ درصد دیگر که رئیس‌جمهور و وزیر دفاع تهدید به نابودی‌شان کرده بودند، چه می‌شود؟ آن بخش چگونه قابل توجیه است؟ به‌علاوه، نابودی نظامی اقتصاد دشمن، مصداق «جنگ تمام‌عیار» دوران جنگ جهانی دوم و درگیری‌های پیش از آن است؛ شیوه‌ای که مدت‌هاست بر اساس حقوق بین‌الملل و موازین اخلاقی، غیرقانونی و مردود شناخته شده است.

اگر بخواهیم اظهارات والتز را در قوی‌ترین چارچوب حقوقی ممکن بررسی کنیم، شاید منظور او استناد به مفهوم هدف قرار دادن اهداف «پشتیبان جنگ»^{۴۷} بوده است. ما در بخش پرسش و پاسخ^{۴۸} ماه مارس خود به این استدلال پرداخته‌ایم:

نظریه‌ای بحث‌برانگیزتر وجود دارد که بر اساس آن، تأسیسات نفتی ممکن است به عنوان اهداف به اصطلاح «پشتیبان جنگ» هدف قرار گیرند؛ چرا که این تأسیسات درآمدی ایجاد می‌کنند که از تلاش‌های جنگی دشمن حمایت

^{۴۳} <https://abcnews.com/Politics/week-transcript-4-19-26-amb-mike-waltz/story?id=132174957>

^{۴۴} Anachronism

^{۴۵} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-51>

^{۴۶} <https://www.nbcnews.com/meet-the-press/transcripts/meet-press-april-19-2026-rcna340866>

^{۴۷} war-sustaining

^{۴۸} https://www.justsecurity.org/135050/expert-faq-targeting-primer-iran-war/#_Toc225492418

می‌کند. «دستورالعمل حقوق جنگ»^{۴۹} وزارت دفاع ایالات متحده تصریح می‌کند که «اهداف اقتصادی مرتبط با عملیات نظامی یا صنایع پشتیبان جنگ (چه در قالب حمایت از جنگ و چه در قالب تداوم بخشی به آن)، به عنوان اهداف نظامی تلقی شده‌اند». این سند به عنوان نمونه به «تأسیسات پالایش و توزیع نفت و همچنین موارد مرتبط با محصولات نفتی و روان کارها»^{۵۰} (شامل تأسیسات تولید، حمل و نقل، ذخیره سازی و توزیع) اشاره می‌کند (بخش ۵، ۶، ۸، ۵). این رویکرد مورد پذیرش همگانی نیست و بسیاری از دولت‌ها و صاحب نظران (از جمله مایک و تس) بر این باورند که حقوق مخاصمات مسلحانه، وجود ارتباطی مستقیم‌تر با اقدام نظامی را نسبت به یک مشارکت اقتصادی عام، الزامی می‌داند. بر این اساس، اگرچه تأسیسات نفتی ممکن است در شرایطی خاص به‌ویژه زمانی که مستقیماً از عملیات نظامی پشتیبانی می‌کنند به عنوان اهداف مشروع شناخته شوند، اما هدف قرار دادن آن‌ها صرفاً بر مبنای «پشتیبان جنگ» بودن، همچنان از نظر حقوقی محل مناقشه است.

علاوه بر این، همان‌طور که سرهنگ دوم «دبلیو. کیسی بیگستاف»^{۵۱} نوشته است، حتی با پذیرش این دیدگاه که در شرایطی خاص می‌توان اهدافی را که به تداوم جنگ کمک می‌کنند مورد حمله قرار داد، این امر «الزام وجود رابطه‌ی علی آشکار میان هدف نظامی و اقدام نظامی دشمن را از بین نمی‌برد»؛ هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که بر اساس آن تأسیسات نفتی صرفاً به دلیل ماهیتشان (فی نفسه) قابل هدف گیری باشند؛ و منابع اقتصادی «صرفاً به این دلیل که به مجموع منابع در دسترس طرف مقابل می‌افزایند، در زمره‌ی اهداف نظامی قرار نمی‌گیرند».

به عبارت دیگر، حتی اگر رویکرد [امکان مقابله با عوامل] «تداوم بخشی به جنگ» از منظر حقوقی معتبر باشد، حملات پیشنهادی را توجیه نمی‌کند. و در خصوص نکته‌ی مطرح شده توسط «والتر» مبنی بر اینکه «سپاه پاسداران کنترل بخش بزرگی از اقتصاد ایران را در دست دارد»، ما اهمیت حقوقی خاصی در آن نمی‌بینیم. سپاه پاسداران ممکن است کنترل مؤسسات آموزش عالی یا سایر فعالیت‌ها و تأسیسات کاملاً غیرنظامی را نیز در اختیار داشته باشد؛ اما این امر آن‌ها را به اهداف نظامی مشروع تبدیل نمی‌کند.

تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله

^{۴۹} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۵۰} lubricant products

^{۵۱} W. Casey Biggestaff

^{۵۲} <https://www.justsecurity.org/134853/targeting-enemy-logistics/>

یکی از اهداف اصلی حقوق حاکم بر نحوه انجام مخاصمات، مصون نگه داشتن جمعیت غیرنظامی از پیامدهای جنگ تا حد امکان است (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع، بخش ۵، ۲).^{۵۳} برای تحقق این هدف بنیادین، قاعده‌ی اساسی «تفکیک» مقرر می‌دارد که غیرنظامیان و اعیان غیرنظامی هرگز نباید هدف حمله قرار گیرند. این یک قاعده‌ی صریح و قاطع است. فراتر از آن، مجموعه‌ای از قواعد دقیق‌تر حقوق مخاصمات مسلحانه، حملات به اهداف را محدود می‌کند، حتی اگر آن اهداف واجد شرایط «هدف نظامی مشروع» باشند. بخش عمده‌ای از این قواعد در «پروتکل الحاقی اول» به کنوانسیون‌های ژنو (که ایالات متحده عضو آن نیست) تدوین شده و بازتاب‌دهنده‌ی حقوق بین‌الملل عرفی (لازم‌الاجرا برای تمام دولت‌ها) است؛ ایالات متحده این قواعد را - در بخش‌های مربوطه - به عنوان مقرراتی الزام‌آور می‌پذیرد.

قواعد مربوط به تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله، نقش ویژه‌ای در محدود کردن آسیب به جمعیت غیرنظامی ایفا می‌کنند. همان‌طور که در بخش پرسش و پاسخ ماه مارس^{۵۴} توضیح دادیم:

یکی از تدابیر حفاظتی کلیدی، فراتر از ممنوعیت حمله مستقیم به غیرنظامیان و اعیان غیرنظامی، قاعده‌ی «تناسب»^{۵۵} است (به پرسش شماره ۹ نوشته ماه مارس ما مراجعه کنید). این قاعده حملاتی را ممنوع می‌سازد که در آن‌ها تلفات جانی یا جراحات وارده به غیرنظامیان و یا خسارات وارده به اعیان غیرنظامی - به صورت تبعی و غیرمستقیم - در مقایسه با مزیت نظامی ملموس و مستقیمی که از حمله انتظار می‌رود، بیش از حد (نامتناسب) باشد (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع، بخش ۵، ۱۲؛ پروتکل الحاقی اول، مواد ۵۱ و ۵۷).

همان‌طور که در دفترچه راهنمای قانون جنگ وزارت دفاع^{۵۸} ذکر شده است، «تعیین اینکه آیا آسیب اتفاقی^{۵۹} مورد انتظار بیش از حد است یا خیر، لزوماً به تحلیل کمی منجر نمی‌شود، زیرا مقایسه اغلب بین کمیت‌ها و مقادیر نامتجانس است» (بخش‌های ۴، ۲۳). بلکه مستلزم یک قضاوت با حسن نیت و بسیار وابسته به زمینه است که قبل از حمله انجام شده است که آیا آسیب وارد شده به غیرنظامیان "بیش از حد" خواهد بود یا خیر. به عنوان مثال، کشتن

^{۵۳} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۵۴} https://www.justsecurity.org/135050/expert-faq-targeting-primer-iran-war/#_Toc225492418

^{۵۵} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule14>

^{۵۶} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۵۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977>

^{۵۸} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۵۹} Incidental harm

یک هدف با ارزش مانند یک رهبر نظامی ارشد امکان صدمات تصادفی غیرنظامی یا مرگ یا آسیب به اموال غیرنظامی را نسبت به کشتن یک جنگنده سطح پایین فراهم می کند. علاوه بر این، ارزیابی توسط کسانی انجام می شود که حمله را برنامه ریزی، تأیید و اجرا می کنند و بر اساس اطلاعاتی است که در آن زمان به طور معقول در دسترس آنها بوده است.

نکته مهم این است که این سؤال که چه نوع آسیب هایی به عنوان «آسیب اتفاقی» واجد شرایط هستند که باید در ارزیابی «تناسب» لحاظ شوند تا حدودی مورد بحث است. با این حال، مرگ یا جراحات تصادفی غیرنظامیان و آسیب به اشیاء غیرنظامی، باید در تجزیه و تحلیل گنجانده شود. اثرات گمانه زنی ای که به طور منطقی قابل پیش بینی نیستند، لازم نیست گنجانده شوند. به همین ترتیب، «مشکلات یا اختلالات موقت در زندگی غیرنظامیان» لازم نیست در محاسبه تناسب لحاظ شود (دستورالعمل قانون جنگ وزارت دفاع، بخش های ۲، ۱، ۱۲، ۵). گفته می شود، اثرات از حیث منطقی قابل پیش بینی، اُحدس و گمان^{۶۲} نیستند. آنها باید در یک تحلیل تناسب سنجیده شوند و فرمانده باید چنین تأثیراتی را در تجزیه و تحلیل تناسب لحاظ کند، حتی اگر «غیر مستقیم»^{۶۳} باشند.

به طور واضح، و به عنوان یک موضوع عملی، غیرممکن است که حمله به تمام زیرساخت های حیاتی از هر دسته ای متناسب باشد. هیچ دستوری برای شروع چنین عملیاتی نمی تواند با این قاعده مطابقت داشته باشد. مثلاً مزیت نظامی عینی و مستقیم تخریب نیروگاه پنجم چیست؟ دهم؟ آخرین؟ نیروگاهی که در یک منطقه دورافتاده و بدون استفاده نظامی قابل توجه قرار دارد چطور؟ علاوه بر این، با توجه به مزیت نظامی فزاینده، غیرقابل قبول است که تخریب آخرین نیروگاه منجر به آسیب بیش از حد به غیرنظامیان از نوع محاسبه تناسب نشود.

قواعد مربوط به اقدامات احتیاطی^{۶۴} در جریان حمله، هدف قرار دادن زیرساخت های با کاربری دوگانه را نیز به شیوه هایی که از نظر عملیاتی حائز اهمیت است، محدود می کنند. همان طور که پیش تر در پرسش و پاسخ ماه مارس^{۶۵} توضیح داده شد:

^{۶۱}: <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۶۲}: Reasonably foreseeable

<https://www.chathamhouse.org/2018/12/proportionality-conduct-hostilities-incident-harm-side-assessment>

^{۶۳}: Speculative

^{۶۴}: <https://www.justsecurity.org/91319/the-principle-of-proportionality-in-the-dod-law-of-war-manual/>

^{۶۵}: <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

^{۶۶}: https://www.justsecurity.org/135050/expert-faq-targeting-primer-iran-war/#_Toc225492418

مهاجمان باید تمام اقدامات عملی و ممکن را برای اطمینان از اینکه اهداف، اهداف نظامی مشروع هستند، به کار گیرند^{۶۶} و گزینه‌های جایگزین ممکن از جمله انتخاب اهداف^{۶۷}، زمان‌بندی^{۶۸}، تاکتیک‌ها یا تسلیحات متفاوت^{۶۹} را که ضمن دستیابی به مزیت نظامی مطلوب، خطر آسیب به غیرنظامیان را کاهش می‌دهند، مد نظر قرار دهند (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع آمریکا^{۷۰}، بخش ۵، ۱۱؛ پروتکل الحاقی اول، ماده ۵۷). به علاوه، اگر جمعیت غیرنظامی تحت تأثیر حمله قرار می‌گیرد، مهاجمان باید به‌طور مؤثر به آن‌ها هشدار دهند.^{۷۱} انجام این کار در شرایطی که اوضاع اجازه دهد برای مثال زمانی که غافلگیری عنصر اصلی حمله نباشد و هدف ثابت باشد (مانند یک ساختمان) الزامی است.

اگرچه ایالات متحده این پیش‌فرض را نمی‌پذیرد (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع آمریکا^{۷۲}، بخش ۵، ۲، ۳، ۵)، اما کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^{۷۳} و برخی کارشناسان تأکید دارند که تعهدی مبتنی بر حقوق عرفی برای مهاجمان وجود دارد تا «مراقبت مستمر» را برای «در امان نگه داشتن» غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی اعمال کنند؛ تعهدی گسترده که آن‌ها را ملزم می‌سازد تأثیر عملیات خود بر جمعیت غیرنظامی را در نظر بگیرند. ما نیز با این دیدگاه موافقیم.

از منظر عملی، عملیاتی که مقصود آن هدف قرار دادن و نابودی تمام موارد موجود در یک دسته خاص (پل‌ها، نیروگاه‌ها، تأسیسات تولید نفت، تأسیسات آب‌شیرین‌کن یا هر دسته دیگری از زیرساخت‌های مورد استفاده غیرنظامیان) باشد، به هیچ‌وجه نمی‌تواند با این الزامات—که ایالات متحده مدت‌هاست آن‌ها را ضروری و بنیادین می‌داند—مطابقت داشته باشد.

برای روشن شدن موضوع، این مورد را در نظر بگیرید: دستوری برای آغاز تخریب تمام پل‌ها در ایران (یا شاید تمام پل‌ها در یک منطقه خاص) صادر می‌شود. چه گزینه‌های جایگزین ممکن برای تخریب یک پل خاص در نظر گرفته شده است؟ هیچ؛ اگر هدف عملیات صرفاً نابودی همه آن‌ها باشد. به همین ترتیب، در مورد نیروگاه‌ها، هم

^{۶۶} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule16>

^{۶۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule21>

^{۶۸} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule17>

^{۶۹} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule17>

^{۷۰} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۷۱} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule20>

^{۷۲} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۷۳} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

ترامپ و هم هگست صراحتاً درباره نابودی تمام نیروگاه‌های ایران سخن گفته‌اند. چرا به‌جای این کار، آن‌ها را به‌طور موقت از کار نیندازیم یا غیرفعال نکنیم؟ کاری که تسلیحات^{۷۴} یا عملیات سایبری ایالات متحده در بسیاری از شرایط قادر به انجام آن هستند و ممکن است الزام اتخاذ اقدامات احتیاطی ممکن نیز آن را ایجاب کند.

نقض حقوق مخاصمات مسلحانه توسط ایران، توجیهی برای نقض این موازین از سوی ایالات متحده نیست

در نهایت، باید به یک موضوع انحرافی (که برای منحرف کردن بحث مطرح می‌شود) بپردازیم. «والترز» در برنامه «این هفته»^{۷۵} شبکه ای بی سی، با اشاره به موارد نقض موازین ناظر به حقوق مسلحانه توسط ایران، این ادعا را که حملات تهدیدآمیز مورد بحث ممنوع هستند، رد کرد.

«.... رژیم ایران و به‌ویژه نیروهای نیابتی تروریست آن، سابقه‌ای طولانی در پنهان کردن عمدی زیرساخت‌های نظامی در بیمارستان‌ها، مدارس، محله‌های مسکونی و سایر اماکن و دارایی‌های غیرنظامی دارند. بنابراین، آن‌ها هیچ مبنا و توجیهی برای این ادعا ندارند... و رژیم ایران مستقیماً پهبادهای و موشک‌هایی را به سمت خانه‌های مسکونی، هتل‌ها و تفرجگاه‌ها در سراسر منطقه خلیج [فارس] شلیک می‌کند.

بنابراین، این [که ما مرتکب خلاف و ارتکاب وارد ممنوعه می‌شویم] استدلالی مضحک است که ما آن را در رسانه‌ها، از سوی ایرانی‌ها و صادقانه بگویم، از جانب برخی قانون‌گذاران در داخل کشور خودمان نیز شنیده‌ایم.»

به هر ترتیب، [فارغ از این اظهار نظر والتر] قانون به‌طور یکسان بر هر دو طرف درگیری اعمال می‌شود، صرف‌نظر از اینکه طبق موازین مربوط به حقوق حاکم بر توسل به زور^{۷۶} در جایگاه متجاوز باشند یا قربانی. این «اصل اعمال برابر»^{۷۷} آن‌گونه که شناخته می‌شود - در تمام موقعیت‌های دیگر نیز صدق می‌کند، از جمله زمانی که دشمن خودش موازین ناظر به مخاصمات مسلحانه را نقض می‌کند (کاری که ایران قطعاً انجام داده است).^{۷۸} چنین موارد نقضی، طرف مقابل را از تعهد به انجام عملیات خصمانه بر اساس موازین قانونی معاف نمی‌کند. به‌عنوان مثال، در

^{۷۴}: <https://web.archive.org/web/20010207212933/https://fas.org/man/dod-101/sys/dumb/blu-114.htm>

^{۷۵}: <https://abcnews.com/Politics/week-transcript-4-19-26-amb-mike-waltz/story?id=132174957>

^{۷۶}: Jus ad bellum

^{۷۷}: principle of equal application

<https://international-review.icrc.org/sites/default/files/irrc-872-6.pdf>

^{۷۸}: نویسندگان مشخص نکرده‌اند که این «قطعا» را از کجا آورده‌اند و در کدام مصادیق، نقض از سوی ایران صورت گرفته و ایران تلاش نکرده تا

دقیقاً موازین حقوق بین‌الملل مخاصمات از جمله همین مواردی که در این نوشتار در مورد مکان‌های دارای کاربرد دوگانه یا مزیت نظامی مطرح شده را رعایت کند. (توضیح افزوده بر متن)

خصوص حفاظت از غیرنظامیان، ماده ۵۱ (بند ۸)^{۷۹} از «پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو» مقرر می‌دارد که «هرگونه نقض [ممنوعیت استفاده از سپر انسانی]، طرف‌های درگیری را از تعهدات قانونی‌شان در قبال جمعیت غیرنظامی و افراد غیرنظامی - از جمله تعهد به اتخاذ تدابیر احتیاطی پیش‌بینی شده در ماده ۵۷ - مبرا نمی‌سازد». همچنین ماده ۶۰ (بند ۷) «کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات»^{۸۰} تصریح می‌کند که حق تعلیق یک معاهده در واکنش به نقض اساسی آن توسط طرف دیگر، شامل «معاهدات با ماهیت بشردوستانه، و به‌ویژه مقرراتی که هرگونه اقدام تلافی‌جویانه علیه اشخاص را ممنوع می‌کنند» نمی‌شود.

نه ایران و نه ایالات متحده هیچ‌کدام عضو «پروتکل الحاقی اول» کنوانسیون‌های ژنو نیستند، اما اصلی که این پروتکل بازتاب می‌دهد، بی‌شک بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع،^{۸۱} بخش‌های ۵،۴،۴). این راهنما با استناد به گزارش نهایی وزارت دفاع در سال ۱۹۹۲ درباره جنگ خلیج فارس، تأیید می‌کند «کشوری که با اقدامات بی‌رحمانه طرف مقابل مواجه شده است... از تعهد خود مبنی بر اتخاذ تدابیر احتیاطی معقول برای به حداقل رساندن تلفات جانبی غیرنظامیان یا آسیب به اماکن غیرنظامی، معاف نمی‌شود».

تنها استثنا در این زمینه، انجام «اقدامات تلافی‌جویانه در مخاصمات»^{۸۲} است که در راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع چنین تعریف شده است: «اقداماتی علیه یک طرف که: (۱) در شرایط عادی غیرقانونی محسوب می‌شدند؛ (۲) با هدف واداشتن آن طرف به توقف نقض قانون انجام می‌شوند» (بخش‌های ۱۸،۱۸،۱). مشروعیت اقدامات تلافی‌جویانه موضوعی بحث‌برانگیز در حقوق مخاصمات مسلحانه است (تحلیل مایک در مورد انتقام جویی^{۸۳} و تلافی جویی^{۸۴} قابل مطالعه است). برای مثال، پروتکل الحاقی اول اقدامات تلافی‌جویانه را تا حدی ممنوع کرده است که [برابر آن] اقدامات مورد تهدید ایالات متحده آمریکا [علیه ایران] آشکارا غیرقانونی تلقی می‌شوند (مجموعه مطالب مربوطه در راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع، بخش‌های ۱۸،۱۸،۳،۴ را ببینید). با این حال، ایالات متحده تنها محدودیت‌های مندرج در معاهداتی را به رسمیت می‌شناسد که خود عضو آنهاست؛ معاهداتی

^{۷۹} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-51?activeTab=>

^{۸۰} https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf

^{۸۱} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY-2023.PDF>

^{۸۲} Belligerent reprisals

^{۸۳} <https://lieber.westpoint.edu/retaliation-retribution-punishment-international-law/>

^{۸۴} <https://lieber.westpoint.edu/reprisals-international-humanitarian-law/>

نظیر «پروتکل اصلاح شده مین‌ها» (مربوط به کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص و کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، که بسیاری از زیرساخت‌هایی را که ترامپ تهدید به حمله به آن‌ها کرده است، در بر نمی‌گیرند.

با این وجود، استناد به اصل «اقدام تلافی‌جویانه» حتی در بنیادی‌ترین سطح نیز مردود خواهد بود. همان‌طور که در تعریف این مورد در دفترچه راهنمای [وزارت دفاع] آمده است، تنها هدف اقدام تلافی‌جویانه، «تأثیرگذاری بر طرف مقابل برای توقف ارتکاب تخلفات در زمان حال و آینده» است (بخش‌های ۱۸، ۱۸، ۱، ۳). در اینجا، هم ترامپ و هم والتز به صراحت اعلام کرده‌اند که هدف، وادار کردن ایران به پذیرش خواسته‌های ایالات متحده [یا به عبارت دیگر، تسلیم] برای پایان دادن به مخاصمه است. اما حتی اگر معیار «هدف» نیز محقق می‌شد، «برای قانونی بودن، اقدامات تلافی‌جویانه باید پاسخی متناسب با اقدام غیرقانونی پیشین طرف مقابل باشند» (بخش‌های ۱۸، ۱۸، ۲، ۴). بمباران دشمن تا حد بازگرداندن آن به «عصر حجر»، به هیچ وجه این شرط را برآورده نمی‌کند. ضمن اینکه والتز حتی در چارچوب یا با ادبیات اقدامات تلافی‌جویانه سخن نمی‌گوید؛ او از موضع تلافی‌جویی در قبال اقدامات پیشین ایران سخن می‌گوید؛ زبانی که با موازین مربوط به حقوق جنگ در تضاد کامل است، هرچند ممکن است نزد مخاطبان سیاسی خاصی خوشایند باشد.

نتیجه‌گیری

والتز در مورد یک چیز درست می‌گوید - طبق موازین مربوط به حقوق حاکم بر انجام مخاصمات، زیرساخت‌های غیرنظامی صرفاً به این دلیل که غیرنظامیان از آنها استفاده می‌کنند، از مصونیت قطعی برخوردار نیستند. پل‌ها، نیروگاه‌ها، تأسیسات ارتباطی، سیستم‌های حمل و نقل، تأسیسات ذخیره‌سازی سوخت و سایر زیرساخت‌ها، در شرایط خاص، ممکن است به عنوان اهداف نظامی قابلیت هدف داشته باشند، زمانی که سهم مؤثری در اقدام نظامی داشته باشند و حمله به آنها یک مزیت نظامی قطعی ارائه دهد.

اما این بدان معنا نیست که هر شیء با کاربرد دوگانه می‌تواند به طور قانونی هدف قرار گیرد - قوانین مربوط به تناسب و اقدامات احتیاطی، در میان سایر موارد، باید به طور مستقل رعایت شوند. به طور خلاصه، این واقعیت که زیرساخت‌ها دارای کاربرد دوگانه هستند، مهاجمان را از تعهد به ارزیابی اینکه آیا آسیب مورد انتظار به غیرنظامیان در مقایسه با مزیت نظامی پیش‌بینی شده بیش از حد خواهد بود یا خیر، یا انجام اقدامات احتیاطی ممکن برای به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی، معاف نمی‌کند. و مطمئناً به این معنی نیست که کل دسته‌های زیرساخت‌های حیاتی را می‌توان به عنوان قابل هدف‌گیری قرار داد. حملات مبتنی بر این فرض که هر شیء در یک

دسته گسترده، یک هدف قانونی است، حداقل، بی هدف خواهد بود و می تواند [در صورت ارتکاب] توسط افراد درگیر در مخاصمه، جنایات جنگی محسوب شود.

رفتار غیرقانونی [احتمالی] ایران این نتیجه گیری را تغییر نمی دهد. موارد متعدد [احتمالی] نقض حقوق حاکم بر مخاصمات مسلحانه توسط ایران^{۸۵} کاملاً قابل اعتراض است، اما این موازین حقوقی صرف نظر از سوء رفتار دشمن، به طور مساوی بر همه طرف های مخاصمه اعمال می شود. و از آنجا که دولت ترامپ به روشنی اعلام کرده است که هدف از عملیات های احتمالی، وادار کردن ایران به پذیرش شرایط ایالات متحده [یا به تعبیر صحیح تر، تسلیم] برای پایان دادن به درگیری است، حتی توصیف و عبارت بندی مجدد آنها به عنوان انتقام جویی های خصمانه - که در هر صورت مبنای بسیار بحث برانگیزی برای اقدام است - نمی تواند حملات تهدید آمیز را توجیه کند.

سوال اساسی این است که آیا مقامات آمریکایی به الزامات اساسی حقوق مخاصمات مسلحانه احترام خواهند گذاشت یا در عوض وانمود می کنند که قانون آنچه را که به وضوح ممنوع کرده است، مجاز می داند. در مورد این سوال، اظهارات والتز باید هر کسی را که دغدغه حاکمیت قانون، حفاظت از غیرنظامیان و افتخار نیروهای مسلح^{۸۶} ایالات متحده را دارد، نگران کند.

^{۸۵} . چون نویسندگان به مصداق مشخصی از نقض توسط ایران اشاره نکرده اند بنا بر این در نوشته مزبور مصادیق احتمالی مد نظر است که اگر دولت آمریکا مدعی است نقضی صورت گرفته است می تواند بدانها اعتراض کرده و روندهای حقوقی ذریبط را پیگیری کند نه اینکه به این بهانه مرتکب جنایت جنگی شود. (توضیح افزوده بر متن)

^{۸۶} . اگرچه از دید کشورها و ملت هایی که متحمل جنایات نیروهای مسلح آمریکا شده اند، سخن از «افتخار این نیرو» امری مضحک جلوه می کند ولی قابل فهم است وقتی از سوی افرادی درون نظام حقوقی آمریکا ولو منتقد دولت ترامپ مطرح گردد. چرا که آنها در هر صورت مایلند کشورشان از این رفتارها بدور باشد و تصویری قابل قبول از آمریکا و ارزشهای رفتاری ایشان در سطح جهان بسط پیدا کند. طبیعتاً اگر این نیروها موازین انسانی را رعایت کنند و به حقوق دیگر ملت ها احترام گذارند بقیه ملت ها نیز مشکلی با آنها نخواهند داشت و همکاری و تفاهم و حاکمیت قانون گسترش پیدا می کند. (توضیح افزوده بر متن)